



نشریه ماهانه:

3rd Series, Issue 85

سری سوم، شماره 85

September 2020

مهر 99

Editor-in-chief: Mino Hemati  
Email: minohemati@gmail.com

سر دبیر: مینو همتی

مدیر مسئول: شراره رضایی

Managing editor: Sharareh Rezaei  
Email: shararehrezaei.p@gmail.com



مطالب

تا لغو کامل اعدام از پای نمی نشینیم  
نوید افکاری نقاشی از: مریم رضائی گیوی

تجاوز نوری شریفی

چرا اسلام را کنار گذاشتم؟ رحیمه سروری

جلادان در نقش ناجی مونا شاد

اعدام قتل عمد دولتی است سحر بابا سلجی

گزارشی از وضعیت نسرین ستوده در چهل و سومین روز اعتصاب غذا

جمهوری اسلامی ایران و همجنسگرایان  
شیمیا مقدم

لغو اعدام در دستور جامعه، خودکشی پدر  
امیرحسین مرادی از معترضان ایان ماه محکوم به اعدام

نقاشی از: ساتاز کارتون

پتیشن علیه اعدام (فارسی- انگلیسی)  
نسرین پرواز

وضعیت حقوق بشر در ایران مرضیه آدمی

اعدام نوید افکاری برای ارباب و فرونشاندن خشم  
کارگران و معترضان! بیانیه تشکل های کارگری

صفحه ی خبری

- هوشمند علیپور پس از رهایی از اعدام از اتهامات تبرئه شد و به ۳۸ ماه حبس محکوم شد
- سه عضو کانون نویسندگان ایران به زندان رفتند
- مرگ حدود ۲۰۰ دانش آموز در اثر ابتلا به کرونا

راه های تماس با سازمان رهایی زن و نمایندگان آن در شهرها و کشورهای مختلف

معرفی سایت های برنامه های تلویزیونی، آرشیو نشریه

طناب نقش بریده شد تا نقش را گرفت، کردنی عادی بود جانش گرفته شد تا جانش را گرفت. کردن نوید رمتی برای طنابشان نگذاشته است، آیا همتی هست هنوز؟ "اسماعیل- بخشی"

navid\_afkari #

نقاشی از: مریم رضائی گیوی "رونیا"

Maryam Ramezanigivi



به نشریه رهایی زن بپیوندید

برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی. از زندگی زنان (خودتان) و کودکان...". شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را می توانید به آدرس ایمیل های زیر ارسال کنید.

Markazi@RahaiZan.org

## تجاوز نوری شریفی فعال حقوق زنان و حقوق بشر



تجاوز یک مفهوم جامعه شناختی است برپایه موقعیتی که تجاوز در جامعه فراگیر شده و عادی تلقی شود. در جوامع مختلف، فرهنگ تجاوز معیارهای متفاوتی را شامل می شود اما بطور کلی میتوان از آن بعنوان «ناامنی پیوسته محیط برای زنان» نام برد.

البته تجاوز کردن در انحصار مردان نیست و زنان نیز تنها قربانیان نیستند. مردان به مردان تجاوز میکنند، زنان نیز به مردان تجاوز میکنند، اما چیزی که تجاوز را مسأله ای مردانه تبدیل میکند این واقعیت است که مثلاً در آمریکا ۹۹ درصد تجاوزهای گزارش شده توسط مردان انجام میشود. در اینجا مثال هایی را از فرهنگ تجاوز عنوان میکنم:

سرزنش قربانی (خودش میخواست، کرم از خود درخت است)، کم اهمیت جلوه دادن آزار جنسی (حالا دستی بهت زده مگر چه شده)،

جوکهای واضح جنسی، تحمل ومدار در برابر آزار جنسی، بررسی علنی پوشش، شرایط روانی، انگیزه و گذشته قربانی، تعریف مردانگی به سلطه گری و از نظر جنسی مهاجم، و تعریف زنانگی به سلطه پذیری و از نظر جنسی منفعل بودن، تحت فشار گذاشتن مردان برای فاتح بودن و تحت فشار گذاشتن زنان برای اینکه سردب نظر نیابند، این ادعا که فقط به زنان بی قیدوبند تجاوز میشود و این ادعا که به مردان تجاوز نمیشود یا فقط به مردان ضعیف تجاوز میشود، سر باز زدن از جدی گرفتن اتهام تجاوز، یاد دادن به زنان که مورد تجاوز قرار نگیرند بجای یاد دادن به مردان که تجاوز نکنند، همچنین ناهنجاریهایی مانند نژادپرستی، هوموفوبیا یا همجنس هراسی، سن گرایی، نابرابری دینی، اختلاف طبقاتی، و دیگرگونه های تبعیض راهم میتوان جزو فرهنگ تجاوز دانست. فرهنگ تجاوز بخشی از تمام کشمکش های اجتماعی، جمعی و محیطی ماست.

فرهنگ تجاوز فقط درباره سکس و رابطه جنسی نیست بلکه محصول گرایش کلی به سلطه مردانه است. خشونت جنسی تنها یکی از شکل های ابراز این گرایش است.

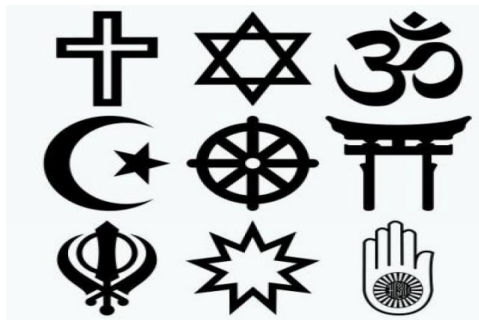
زارون برنت در کتاب فرهنگ تجاوز خود مینویسد: «یک زن باید دایم به این فکر کند که کی میرود؟ چه وقتی از روز است یا کی به مقصد میرسد و یا کی باید برگردد؟ چه روزی از هفته است اگر احوال در نقطه ای از این جابجایی نتواند ماند و.... فهرست این نکته های قابل تامل ادامه دارد، اما ما مردان آزاده ستیم هر وقت از روزیا شب، در حاشیه یامرکز شهر، در هوای بارانی یا آفتابی بیرون برویم. برای فهمیدن فرهنگ تجاوز بیاد داشته باشید که دست کم نیمی از جمعیت جهان از این آزادی برخوردار نیستند.»

فرهنگ تجاوز در ایران به چه گونه است؟ محرزترین مورد از موارد فرهنگ تجاوز در ایران خشونت و تجاوز جنسی است، چرا که متأسفانه موارد دیگر در جامعه یا خانواده عادی تلقی شده است. اگرچه از همین مورد هم آمار مستندی وجود ندارد، تنها آمار موجود، مربوط به یکی از بزرگترین پژوهش هایی است که درباره خشونت در مورد زنان در سال ۱۳۸۲ انجام شده که آنهم به تجاوز جنسی مربوط میشود نه موارد دیگری از فرهنگ تجاوز، که بر اساس آن ۱۰/۲ درصد از زنان گفته بودند که از آغاز زندگی تا به امروز با خشونت جنسی و ناموسی در خانواده روبرو بوده اند، و با در تحقیقی راجع به روسپیگری، این رقم چیزی بین ۲۲ تا ۲۵ درصد عنوان شده، و این مسأله در مورد فرارزنان از خانه بین ۱۲ تا ۳۶ درصد در حال تغییر است. این آمارهای پراکنده ای که از تجاوز در ایران بدست آمده تنها شامل مواردی میشود که به مراجع قضایی مراجعه کرده اند (۵۲۰۰ پرونده) و هیچ گزارش آماری دیگری در دست نیست. البته این بدان معنا نیست که مسأله ای هم وجود ندارد اگرچه اذعان دولت مردان جمهوری اسلامی ایران بر آن است که اینها آمار واقعی در جامعه است. خشونت های خانگی (تمام آزارهای جنسی که محارم انجام میدهند و قربانی از ترس آبرو اغلب سکوت میکند)، بهره کشی و آزار کودکان (چه در مورد کودکان کاریا کودکان در محیط های آموزشی)، ازدواج در سنین پایین و یا ازدواج های اجباری در مورد دختران و یا زنان بیوه. نمونه آن تعرض و آزار جنسی پسران در شوشتر در سال بود ۱۳۹۷ که گفته شد متعرضین مشکلات روانی داشتند. سؤال اینجاست که آیات تحت درمان قرار گرفتند؟ یا بلافاصله به جامعه برگردانده شدند تا اجتماع شاهد تعرض های بیشتری از آنان باشد؟

و مثال دیگر، تجاوز به ۴۱ تن از دختران ایرانشهری در استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۹۷ که گفته شد ربایندگان با لباس سپاه و بسیج بودند و با اسلحه دختران را ربوندند. در همین رابطه هم امام جمعه اهل سنت ایرانشهر را به پیگرد قانونی تهدید کردند بخاطر اینکه این خبر را رسانه ای کرده بود، و.... آمارهای بسیار زیاد آشکار و پنهان که آمارهای خاموش نام گرفته است. بیش از ۸۰ درصد موارد تجاوز به دلایل مختلف گزارش نمیشوند و حتی پزشکی قانونی هم به ندرت اطلاعاتی از کسانی که با پرونده تجاوز مراجعه میکنند منتشر می کند. آیا قانون تا چه اندازه به این مسایل میپردازد و با بطور جدی مشکلات ناشی از آن را پیگیرانه بررسی میکند؟ آیا پس از آن نتیجه تحقیقات در کجا ثبت میشود، آیا به گوش مردم میرسد؟ به مورد دیگری اشاره میکنم، صادق کوشکی در برنامه تلویزیونی رخشان بنی اعتماد کارگردان سینمای ایران را از بابت اینکه فراخوان برگزاری مراسم یاد بود برای جانبازان حادثه سقوط هواپیمای ایران- اوکراین داده بود مخاطب قرار میدهد و میگوید: «اگر دست عبدالملک ریگی به تو و دخترت و کس و کارت میرسد میدانید چه میشد «بعد با تمسخر اضافه میکند» شاید شما خوششان بیاید اما مردم ایران خوششان نمی آید.» این چه معنایی دارد وقتی تلویزیون ملی و قیحانه میگوید که تجاوز چیزی است که ممکن است یک زن از آن خوشش بیاید، این دقیقاً نقض امنیت اجتماعی است. زمانیکه فرهنگ تجاوز در تریبون رسمی ترویج و باز تولید میشود، اینکه بنشینند و به مواضع سیاسی یک کارگردان زن سینمای ایران با تحقیر جنسی جواب دهند، این یعنی تأیید فرهنگ تجاوز در جامعه، بهمین خاطر است که زنان جامعه ما به سیستم کیفری و قضایی اعتمادی ندارند چرا که آنها را نماد مردسالارانه میدانند، کدهای قانونی محدود هستند و شامل بسیاری از رفتارهایی که زنان به آن تجاوز میکنند نمیشود. این عدم حمایت قانون در جامعه، زنان را به موجوداتی سرخورده تبدیل میکند، موجوداتی که پس از بی توجهی ها و عدم اعمال قانون و قضایات نادرست، به اعمال سرکوب بر علیه خودش می پردازد. فرهنگ تجاوز مسأله ای است که هر روزه به شکل های مختلف در زندگی روزمره هر یک از ما اتفاق می افتد پس ما هر روز این فرصت را داریم که رفتارها و عقاید خود در مورد جهت گیری هایی که باعث ادامه این فرهنگ می شود را بررسی کنیم، از نگرش هایی که در مورد هویت جنسی داریم گرفته تا سیاست های ضد انسانی که دولت در جامعه از آن

- 1- فر هنگ رضایت مشتاقانه باهمان توافق جنسی را ایجاد کنیم.
  - 2- درباره علل اصلی صحبت کنیم.
  - 3- مردانگی را باز تعریف کنیم.
  - 4- سرزنش قربانی را متوقف کنیم.
  - 5- سیاست تسامح صفر اتخاذ کنیم.
  - 6- درک خود از فر هنگ تجاوز را گسترش دهیم.
  - 7- رویکرد چند جانبه و متقاطع اختیار کنیم. (یعنی توجه داشته باشیم فر هنگ تجاوز بدون در نظر گرفتن هویت جنسی، وضعیت اقتصادی، نژاد، مذهب، و یا سن همه راتحت تاثیر قرار میدهد. از بین بردن آن بمعنای کنار گذاشتن تعاریف محدود کننده جنسیتی و جنسی است)
  - 8- تاریخ فر هنگ تجاوز را بدانیم. ( اینکه در طول تاریخ فر هنگ تجاوز بخصوص تجاوز جنسی بعنوان حربه جنگ و ظلم و ستم مورد استفاده قرار گرفته و از آن برای تخریب جایگاه زنان، پاکسازی قومی و نسل کشی استفاده میشده)
  - 9- روی زنان سرمایه گذاری کنیم. (از نظر توانمندسازی و حمایت از آنها)
  - 10- به بازماندگان تجاوز و خشونت گوش کنیم، چراکه امروز بیش از گذشته صحبت میکنند.
  - 11- به تجاوز جنسی نخندیم.
  - 12- فر هنگ تجاوز جنسی بخاطر وجود یکسری قوانین تبعیض آمیز در مورد ازدواج، طلاق، و حضانت تشدید میشود. بانک اطلاعاتی جهان را بررسی کنید، ببینید در کشور خودتان چه کارهایی میتواند انجام دهید.
  - 13- مصونیت از مجازات را پایان دهیم.
  - 14- ناظر فعال باشیم.
  - 15- نسل آینده را آموزش دهیم.
  - 16- گفتگو را شروع کنیم یابه آن ببینیم ( در مورد چگونگی همکاری مشترک برای پایان دادن به تجاوز جنسی در جامعه خود صحبت کنید و علیه فر هنگ تجاوز متحد شوید).
- توجه به این نکات برآستی که میتواند ذهنیت و دیدگاه ما را نسبت به فر هنگ تجاوز در جامعه تغییر دهد و آن را اصلاح کند.
- در قانون مجازات های اسلامی در ایران هیچگونه اشاره ای به تجاوز در معنای عام آن که شامل انواع دست درازی ها به محدوده شخصی و خصوصی افراد چه در خانواده و یا جامعه میباشد، نشده است. تنها شکل خاص آن یعنی تجاوز جنسی در قانون قید گردیده که اصطلاحاً " زنا " نامیده میشود و مشمول زنا با عنف ( توسل به زور) و زنا با عنف (بارضایت)، شده است که هر یک مجازاتهای خود را دارد اگرچه بخاطر زن ستیزی و بی اهمیت دانستن ارزش انسانی در جامعه ایران، در نهایت حکم و مجازات بر علیه قربانی صورت میگیرد.
- اعلامیه جهانی حقوق بشر با صراحت به عدم تفکیک جنسیت اشاره دارد.
- ماده 2: عدم تبعیض  
 ماده 3: حق حیات برای همه  
 ماده 6: ارزش انسانی  
 ماده 7: تساوی در برابر قانون  
 ماده 8: رعایت حقوق انسانی توسط قانون
- مواردی که هیچگونه اثری از آن را در جامعه ایران نمیتوان دید و دولت مردان جمهوری اسلامی ایران در جهت نقض هرچه بیشتر این موارد حقوق بشری به فعالیت خود کماکان ادامه میدهند.
- با درک فر هنگ تجاوز، سهمی در ریشه کن کردن آن در جامعه داشته باشیم.

### چرا اسلام را کنار گذاشتیم؟ رحیمه سروری



صندوقچه‌ی در بسته عقاید ارثی ما! اعتقاد و ایمان دینی و مذهبی، از بت پرستی گرفته تا دین موسی و آیین زرتشت و مسیحیت و چه و چه، معمولاً مثل یک صندوقچه در

در این میان شما در یک خانواده ی مسلمان متولد شدید و والدین شما صندوقچه اسلام را همان هنگام تولد به شما دادند. صندوقچه ای که هنوز هم در ذهن شما جای دارد. اما فکر نمی کنم تا به حال آن صندوقچه را باز کرده باشید و درون این صندوقچه اسرار آمیز را با دید باز نگاه کرده باشید، این طور نیست؟ اما این صندوقچه چیزی است که شما آن را عقیده و باور خود می دانید، چیزی است که بخش عمده ای از شخصیت شما را می سازد و چیزی است که بیشترین تاثیر را بر زندگی شما دارد. فکر نمی کنید اکنون، همین امروز، وقت آن رسیده است که سراغ صندوقچه عقاید خود بروید، در آن را باز کنید و درونش را به خوبی بنگرید، ببینید که آیا واقعا چیزی که درون آن صندوقچه است درست است؟

بسته به طور ارثی از والدین به فرزندان منتقل می شود. به احتمال زیاد، شما هم که اکنون این مطلب را می خوانید معتقد به مذهبی هستید که والدین شما داشته اند؛ این طور نیست؟ حال شما مسلمانید و مسلماً اسلام را بر حق می دانید؛ اما من از شما میخوام که چشمان خود را ببندید و لحظه ای تصور کنید در یک خانواده مسیحی [مثلاً] متولد شده بودید. با این حال، اکنون آیا مسیحی بودید یا مسلمان؟ اصلاً آیا تا به حال به این موضوع فکر کرده بودید؟ اگر به جهان اطراف خود دقت کنید، خواهید دید که هزاران مذهب و کیش و آیین و فرقه و... در اطراف شماست که هر کدامشان خود را درست دانسته و غیر از خود را اشتباه می دانند.

## جلادان در نقش ناجی

مونا شاد



زهرا رهنورد روزگاری رئیس دانشگاه الزهرا بود و هزاران دانشجوی دختر، شاهدان زنده ای هستند که توسط خانم زهرا رهنورد بدلیل رعایت نکردن حجاب اسلامی، برای اعتراض به خواسته های صنفی و غیر صنفی توییح، تنبیه، تحقیر ستاره دار و اخراج شده اند. ایشان البته پستهای دیگری منجمله عضویت شورای عالی انقلاب فرهنگی، که وظیفه اسلامی کردن دانشگاهها و تصفیه دانشگاهها از دانشجویان آزادیخواه و چپ و رادیکال را بعهده دارد، و شغل پرافتخار مشاور سیاسی خاتمی، در دوره حمله لباس شخصی ها به کوی دانشگاه تهران و به قتل رساندن تعدادی از دانشجویان معترض، را به عهده داشته است. ایشان به میمنت فرصت طلبی، امروز به صف "دگراندیشانی" چون گنجی پیوسته و کارنامه "فعالیت های سیاسی" خود را زیر فرش قایم میکند و اصرار دارد خود را بعنوان روزنامه نگار و هنرمند و "منتقد" رژیم معرفی شود.

اخیرا در یادداشتی که وبسایت "کلمه" از زهرارهنورد منتشر کرده است، مبنی بر اینکه مردم ایران از "اعدام های ظالمانه، و زندان ها و احکام کینه جوینانه بی تابند... به ویژه بعد از قتل بیرحمانه نوید افکاری، جوان ورزشکار میدان های کشتی، دلشان داغدار و طاقتشان طاق است". ایشان در این یادداشت فهرستی از "اقدامات لازم" برای "آزادی و رفاه مردم ایران" را ارائه داده است.

او خواهان آزادی زندانیان سیاسی و امنیتی، آزادی بیان، توقف اعتراف گیری اجباری و شکنجه زندانیان، اقدامات اقتصادی برای رفاه زحمتکشان، آزادی های اجتماعی، برداشتن گشت ارشاد و سیاست خارجی دوست محور شده است.

باید به خانم رهنوردها گفت: دستان شما، بیشتر از اینها بوی خون می دهد و پرونده ی جنایت تان سنگین تر و سیاه تر از آن است که بتوانید به این سادگی با "آب توبه" آنرا

بشوید!

رئیس جمهور منتخب شما میرحسین موسوی، که شانس دوباره حکومت کردن را پیدا نکرد، از نخستین اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی و یکی از بلندپایه ترین اعضا و قائم مقام دبیرکل این حزب در دهه شصت و نخستین سردبیر ارگان حزب جمهوری، و پنجمین و آخرین نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ بود. سالهای سیاهی که برای میلیونها نفر در ایران با جنگ، ویرانی، سرکوب، خفقان و بالاخره اعدام و کشتار صد هزار زندانی سیاسی تداومی میشد. سالهایی که جمهوری اسلامی و رئیس جمهور منتخب شما با قلع و قمع کردن کمونیست ها و سوسیالیست ها و هزاران انسان شریف و مبارز، گورهای بی نام و نشان را در جای جای ایران برپا کرد.

کشتاری که موسوی از آن بعنوان برخورد طبیعی یک نظام انقلابی با مخالفان خود از آن دفاع میکند و اوج "پشیمانی" اش این است که "اگر روحیه الان" را داشتیم، "میگفتم کمی ملایم تر باشیم!!"

اعدام نوید افکاری، جسارت وی در بیدادگاه رژیم و در تاریک ترین سلول ها و زیر سخت ترین شکنجه ها، شجاعتش در برملا کردن جنایات رژیم، زمین را زیر پای حاکمیت سست و لرزان کرده است. بطوریکه حکومت اسلامی در وحشت از وضعیت نابسامانی که خود برای مردم ساخته، در هراس از شورش ها و اعتراضات سراسری که جرقه هایش در دیماه و آبان زده شده و ادامه دارد، ترس از اعتراضات کارگری که هر روز گسترده تر می شود و کارگران بیشتری در اعتراض به حقوق معوقه و دستمزد ها، وضعیت معیشت و... به خیابان ها می آیند. رژیم در وحشت از شورش گرسنگان، تلاش میکند به بهانه ی مبارزه با "ارازل و اوباش" او با بسیج اوباش وحوش خود در خیابان ها، کنترل محلات و مردم را به دست بگیرد و فضای سرکوب و ارباب را گسترده تر کند.

اما واقعه چنان مهم بود که خانم رهنورد نمیتوانست بعنوان "منتقد" رژیم در مقابل آن سکوت کند و باید حرفی میزد. در عین حال اعدام نوید "فرصتی" بود برای پز دفاع از آزادی های سیاسی و مخالفت با اعدام و ... را سر دادن. همانطور که رضا پهلوی و مریم رجوی و پمپو و ترامپ به خوبی از این فرصت استفاده کردند و "محکوم میکنیم" و "دفاع میکنیم" را راه انداختند.

صحبت های زهرا رهنورد که خواهان آزادی بیان و توقف اعتراف گیری و شکنجه و .... است به همان اندازه مضحک است که

مریم رجوی پوستر بزرگی از عکس نوید افکاری را گلباران میکند. مریم رجوی که مظهر ارتجاع و عقب ماندگی است، کسی که اگر نیروهای اسیرش بتوانند از اردوگاه های مجاهدین خلق با قوانین قرون وسطایی آن نجات یابند، اعتراف می کنند که اردوگاه مجاهدین چه کثافت و منجلاب و شکنجه گاهی است، او تلاش میکند از این نم کلاهی برای خود بدوزد.

باید به خانم رهنورد، مریم رجوی ها و سلطنت طلبان گفت شما سوابق تان سیاه تر از آن است که نقش منجی و مبشر آزادی بیان و رفاه و آزادی زندانیان سیاسی را بازی کنید. ادعای دفاع از آزادی، لباس گشادی بر تن خانم رهنورد و مریم رجوی ست که هنوز حجاب، ببخشید لچک گل گلی!، این سمبل بردگی زن را بر سر دارید، نیروهایی که پرونده سیاهی در اعدام، کشتار و ترور مخالفین سیاسی خود دارند!

پز دفاع آزادی بودن آقای شاهزاده و طرفداران سلطنت که هنوز سرسختانه از دوره ی سیاه حاکمیت "پدر" دفاع میکنند، کسانی که هزاران نوید در شکنجه گاههای ساواک تان شکنجه و اعدام و ترور شدند، هم طنز تلخی بیش نیست. مردم تاریخ را فراموش نمیکند.

خانم رهنورد در جایی درست میگویند "مردم طاقت شان طاق شده"، اما فراموش میکنند که مردم طاقتشان از هر حاکمیتی که نماینده فقر و بردگی مزدی است، حاکمیتی که سرکوب و خفقان، هویت قومی یا مذهبی، بخشی از هویت آن است، تمام شده!

جنبش قدرتمندی که از دل پایین ترین اقشار جامعه شکل گرفته است، هر روز رشد می کند و سران جمهوری اسلامی را به جرم تمام جنایان چهل سال گذشته محاکمه و مجازات خواهند کرد. اما همزمان این جنبش همین امروز به تمام مدافعین نظام گذشته، نیروهای سناریوی سیاهی چون مجاهدین "ته" خود را گفته اند. نوید را اعدام کردند، اما حضور مردم و همدردی با خانواده ی او نشان داد جمهوری اسلامی در این زور آزمایی شکست بزرگی را متحمل شده است و این میلیون ها نوید قهرمان آزادی خواه و برابری طلب در دیماه ها و آبان های پیش رو، حساب حکومت اسلامی را یکسره خواهند کرد.



### اعدام قتل عمد دولتی است سحر بابا سلجی



جمهوری خونخوار اسلامی بار دیگر مرتکب جنایتی بزرگ شد. نوید افکاری کشتی‌گیر جوان ایرانی بعد گذراندن دوره محکومیت، در بیدادگاه جمهوری اسلامی

دیروز اعدام شد، همانطور که میدانید در طی سیطره چهل و دو سال حکومت ننگین جمهوری اسلامی، با توجه به فشار افکار عمومی و جهانی برای لغو حکم اعدام نوید افکاری او را مظلومانه طی گذراندن انواع شکنجه‌های وحشیانه به چوکه دار سپردند. بسیاری از رسانه‌های جهانی سکوت نکرده و برای لغو حکم اعدام نوید افکاری به میدان آمدند همانطور که میدانید بسیاری از ورزشکاران خارجی نیز به حمایت از نوید افکاری برخاستند

مشخصاً احکام ناعادلانه و قتل و کشتار بسیاری از مردم بیگناه در ایران روز بروز در حال افزایش است و طی این چند سال حکومت ننگین جمهوری اسلامی دیگر بر کل دنیا ثابت شده است که جز قضاوت و کشتار ارمغان دیگری برای ملت خود نداشته است. بسیاری از زندانیان سیاسی دیگر مانند هوشمند علیپور که از سه سال پیش تا کنون تحت انواع شکنجه‌ها برای گرفتن اعتراف

اجباری از وی را محکوم به اعدام نمودند. همچنین از کشتار آبان ماه ۹۸ نیز زندانیان سیاسی دیگر مانند امیر حسین مرادی، سعید تمجدی، و وحید رجبی با توجه به رسانه‌ای شدن خبر اعدام این سه نفر و دیگر زندانیان سیاسی هوشمند علیپور، و فشار افکار عمومی برای لغو اعدام این چند نفر هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارند و هنوز در قتلگاه رژیم جمهوری اسلامی هستند و رژیم کماکان بر اعدام آنان پا فشاری میکند. غافل از اینکه ملت ما بیدار است و دولت جمهوری خونخوار اسلامی بیش از پیش با ایجاد رعب و وحشت و کشتار بیرحمانه سعی دارد حکومت ننگین خود را چند صباحی بیشتر سر پا نگه دارد. امیدوارم با اتحاد و همبستگی مردم بیدار و ستمدیده ایران هر چه زودتر بر این حکومت جنایتکار پیروز شوند چرا که رژیم در ورطه نابودی قرار دارد.

### گزارشی از وضعیت نسرین ستوده در چهل و سومین روز اعتصاب غذا

وارد چهل و سومین روز اعتصاب غذای نسرین شدیم. او در بدترین شرایط ممکن در سی‌سی‌یو بستری است. شدیدترین و غیر انسانی‌ترین شرایط را برای او به کار بسته‌اند کسی نتواند او تماس بگیرد تحت فشارهای روحی تسلیم خواسته‌هایشان شود. یکی از بدترین افرادشان را مسئول تیم امنیتی کرده‌اند. به ما به عنوان خانواده‌ی بیمار اجازه ورود و نظارت به پروسه درمان داده نمی‌شود. از مشاهده نتایج آزمایشات جلوگیری می‌کنند. تهدید به بازداشت و توهین توسط سرپرست تیم عملیات می‌شویم. بیمارستان تمام پروتکل‌های حاکم بر روابط پزشکی و محیط‌های درمانی با بیمار را زیر پا گذاشته و مرعوب تیم امنیتی است. رئیس بیمارستان پس از دو بار مراجعه، وقت ملاقات به من نداد و حاضر نشد حتی به اتاقش راه دهد. بیماری که به گفته خودشان، مشکلات جدی قلبی دارد تحت شدیدترین استرس‌ها از ناحیه مسئول امنیتی قرار دارد. همین شخص، عصر دوشنبه (دیروز) برای این که نسرین هنگام جابجایی در راهرو با ما صحبت نکند از شدت عصبانیت ویلچیر او را عمداً هول داد و به در اتاق کوبید و او را داخل اتاق انداخت. پس از آن از پشت در بسته می‌توانستیم فریادهای نسرین را که لحظاتی قبل نای حرف زدن نداشت در اتاق بشنویم. همین سرپرست تیم عملیات که به هیچ وجه حق نزدیک شدن به او را ندارد. در موارد زیادی خودش با ویلچیر او را جابجا می‌کند در حالی که صرفاً مسئول مراقبت از اوست با حفظ فاصله. نسرین با پایین‌ترین مقدار ایمنی و گلبول‌های سفید دو روز در سالن عمومی سی‌سی‌یو با ده بیمار و دهها تن از کارکنان و همراهان بیمارستان که در رفت و آمد بودند نگهداری شد و احتمال ابتلا به کرونا در چنین فضایی بسیار بالاست. رضا خندان

Iran: Deterioration of Ms. Nasrin Sotoudeh's health while in detention, and arbitrary arrest of her daughter

The Observatory for the Protection of Human Rights Defenders has been informed by the League for the Defence of Human Rights in Iran (LDDHI) about the hunger strike and consequent deterioration of the health of Ms. Nasrin Sotoudeh, a human rights lawyer and 2012 laureate of the European Parliament's Sakharov Prize, and of the arbitrary arrest of her daughter, Ms. Mehraveh Khandan. Ms. Nasrin Sotoudeh is currently detained in Tehran's Evin prison.

According to the information received, on August 17, 2020, at around 11am, Ms. Nasrin Sotoudeh's daughter, Ms. Mehraveh Khandan, was arrested by five male security agents at her home in Tehran and taken to Evin prison's security court. The reasons for her arrest were not known at the time, but her family later reported that she was accused of physically assaulting a female security officer who had warned her about wearing a hijab in Evin prison in 2019. The Observatory believes that this action against Ms. Mehraveh Khandan was taken in an attempt to pressure Ms. Nasrin Sotoudeh and in retaliation against her hunger strike, which was followed by scores of political prisoners [1]. Ms. Mehraveh Khandan was released on bail based on personal guarantee after a few hours.

Continue reading: <https://fidh.org/25862>

جمهوری اسلامی ایران و همجنسگرایان  
شیما مقدم



روزانه تعدادی از همجنسگرایان در دنیا خودکشی می کنند یا اعدام می شوند عده ای در انزوا هستند عده ای هر روز با ترس و وحشت زندگی می کنند و متأسفانه ایران جزو بدترین کشورها در دنیاست. کشوری که به علت اینکه جمهوری اسلامی اجازه نمی دهد مردم زیادی هم اطلاعات و آگاهی ندارند.

همجنسگرایان مانند سایرین حق انتخاب، عاشق شدن و زندگی دارند. جمهوری اسلامی ایران به علت قوانین اسلامی و مردسالاری که دارد حاضر به پذیرفتن این موضوع نیست جوانانی که اعدام می شوند ولی حتی جرم آنها را تجاوز عنوان می کنند تا در سازمان حقوق بشر بگویند ما همجنس گرا نداریم یا اعدام نمی کنیم در حالی که جمهوری اسلامی به مردم ایران خصوصاً دختران ایران کوچکترین رحمی نمی کند چگونه به دختران و پسران همجنس گرا رحم کند و جانیشان و زندگیشان را نگیرد. ترس هایی که حتی توسط آخوندهای جمهوری اسلامی مورد آزار روحی و جنسی قرار می گیرند. همجنسگرایانی که در زندان مورد تجاوز قرار می گیرند آنها را با الفاظ زشت صدا می کنند. جمهوری اسلامی که به واسطه ی فیلتر کردن حتی اجازه نمی دهد کسی به راحتی اطلاعات پیدا کند، حکومتی که هیچکس به خصوص همجنسگرایان حق زندگی با آرامش و امنیت در آن ندارد. در زمانی که در بسیاری از کشورها در دنیا همجنس گرایی را امری عادی تلقی می کنند و همجنسگرایان مانند بقیه انسانها از تمام

حقوق شهروندی برخوردارند در ایران با تمدن چند هزار ساله به علت وجود جمهوری اسلامی برای همجنسگراها اعدام وجود دارد و مردمی که به علت وجود چنین حکومتی نه تنها همجنس گرایی برایشان عادی نیست بلکه آن را چندان آبر می خوانند و عده ای حتی موافق اعدام آنها هستند. در چنین حکومتی ما مردم باید کنار هم باشیم به هم احترام بگذاریم و اجازه ندهیم کسی به علت همجنس گرایی جانش را از دست بدهد یا مورد آزار و اذیت روحی و جنسی قرار بگیرد ای کاش مردم پناه هم می شدند و به حکومت ایران اجازه ی قربانی کردن همجنسگرایان در راه شهوت و تفکر مردسالاری خود را نمی دادند. همجنسگرایان بیمار و افراد کثیفی نیستند. ای کاش همه این را درک کنند که ما همجنسگرایان حق زندگی همانند بقیه مردم را داریم ای کاش درک کنند که ما متجاوز نیستیم، ما را با الفاظ زشت و پست صدا نکنند. ای کاش مردم بدانند که همجنس گرایی امری فطری و عادی است همانند رابطه ی دگرجنسگرایان.

لغو اعدام در دستور جامعه

امیر حسین مرادی از معترضان آبان ماه که در بیدادگاه حکومت برای این جوان حکم اعدام صادر کردند . پدر امیرحسین مردی 60 ساله و بعنوان پیک موتوری مشغول بکار بود، شغلی پر مشقت با درآمد ناچیز که با وجود تورم غیر قابل تحمل، شرایط کرونایی نیز بر آن آوار گردید و موجب بیکاری و کم کاری این قشر زحمتکش شد.



فشار خردکننده روحی زیر تیغ اعدام بودن فرزند از یکطرف و فشار حکومت بر خانواده های زندانی و مشکلات اقتصادی و معیشتی از سوئی دیگر، همراه با فشارهای خارج از خانواده، آنچنان بار سنگینی بر دوش پدر امیرحسین گذاشت که او را از پای در آورد!!!

متن از کانون بازنشستگان

پتیشن علیه اعدام (فارسی- انگلیسی) نسرين پرواز



You could lift the noose from the necks of these 10 young men by signing this petition.

[Nasrin Parvaz](#) started this petition to [Islamic Regime of Iran](#)

During the 2017 uprising in Iran a participant named Asghar Haron Alrashidi was killed by a bullet fired by a government guard.

His family complained against the government militias. Soon after a number of his friends were arrested. They were forced to falsely confess to the

use of arms in what was a peaceful demonstration under torture by the hands of Islamic Guards. The regime used these confessions against them to condemn them to execution.

These five men are sentenced to ten executions for the crime of protesting against the regime – yes, each of them is sentenced to two executions each. Their death sentence has been issued by the Supreme Court.

One thing that the Iranian regime does not like is international publicity that shows them for what they are. Please sign this petition to stop the regime from carrying out these executions.

Hadi Kiani was born in 1990 and is married.

Abass Mohammadi was born in 1991 and has two children.

Mohammad Bastami was born in 1992 and is married.

Majid Nazari Kondori was born in 1994.

Mehdi Salehi Ghaleh Shahrokhi was born in 1983 and has a seven year old daughter.

During the last three years there have been bursts of peaceful demonstrations in Iran. What people want is their basic rights: freedom of expression, jobs and unemployment benefits, and the end of execution. The regime shot demonstrators and arrested thousands of them before killing them in prison. Please sign this petition to stop the execution of these young men.

Just to say a couple of sentences about myself: I was arrested three years after the Islamic regime took power in the early 80s for the same reasons that these young men revolting against the regime. I was tortured and sentenced to execution, but after a year and half my late father was able to change my fate. I was released from prison after eight years. Now I'm a refugee living in the UK.

<http://www.nasrinparvaz.org/>

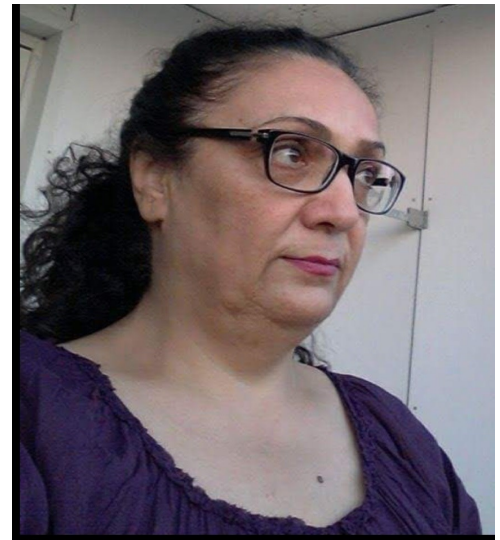
### اعدام جنایت دولتی است

ایرانیان عزیز بیایید ماشین کشتار جمهوری اسلامی را در گرفتن جان این پنج جوان متوقف کنیم در جریان اعتراضات سراسری دیماه ۹۶ در شهرستان خمینی شهر یکی از معترضان به نام اصغر هارون الرشیدی با شلیک گلوله نیروهای رژیم جان باخت. خانواده آقای رشیدی از عوامل بسیج، سپاه و نیروی انتظامی به دلیل کشتن فرزندشان شکایت کردند. پس از مدتی تعدادی از دوستان آقای رشیدی از جمله مهدی صالحی قلعه شاهرخی، هادی کیانی، محمد بسطامی، مجید نظری کندری، عباس محمدی، سعید صالحی، وحید صالحی، بهمن دویستی، علیرضا ایسپره، میلاد استاد ممزانی، بهرام برکتی پور، سهیل هارون الرشیدی، اسماعیل هارون الرشیدی به بهانه شرکت در اعتراضات دیماه ۹۶ بازداشت شدند

از میان این افراد، مهدی صالحی قلعه شاهرخی در تاریخ ۱۲ آبان ۹۸، هادی کیانی در تاریخ ۱۹ اسفند ۹۷، محمد بسطامی در تاریخ ۲۱ اسفند ۹۷، مجید نظری کندری در تاریخ ۲۳ اسفند ۹۷ و عباس محمدی در تاریخ ۲۲ فروردین ۹۸، توسط نیروهای امنیتی دستگیر شدند. آنها زیر شکنجه انشاهای بازجوها را امضا کردند. دیگر همه مردم با اعتراضاتی که رژیم از زندانیان زیر شکنجه می گیرد آشنا هستند این پنج نفر هر یک به دو بار اعدام و پنج سال حبس تعزیری محکوم شده اند: مهدی صالحی قلعه شاهرخی متولد 62 دختری هفت ساله دارد؛ محمد بسطامی متولد متولد 71 و متاهل است؛ مجید نظری کندری متولد 73 است؛ هادی کیانی متولد 69 و متاهل است؛ عباس محمدی متولد 70 و دارای دو فرزند است. بله هر یک از این جوانان به ۲ بار اعدام ... محکوم شده اند

ایرانیان عزیز این جوانان برای همان آرزوهایی دستگیر شدند که همه ما بیش از چهار سال است برایشان مبارزه می کنیم: آرزوهایی مثل آزادی های فردی و سیاسی؛ شغل شرافتمندانه و یا بیمه بیکاری؛ شعار نه به اعدام و ... این جوانان به دلیل چنین خواستهایی و اینکه علیه اختلاس های میلیاردی هستند محکوم به اعدام شده اند. آنها نه فقط برای نان خود، بلکه برای خوشبختی همه ایرانیان دست به تظاهرات علیه رژیم زدند. و حالا رژیم می خواهد برای ترساندن مردم آنها را قربانی کند. ما نباید بگذاریم. این کمپین را امضا کنید و به دست دوستان خود برسانید. تنها با جهانی کردن "نه به اعدام" می توانیم صدایمان را به گوش رژیم رسانده و دستش را از این جنایت کوتاه کنیم

**وضعیت حقوق بشر در ایران**  
**مرضیه آدمی فعال حقوق بشر و مدافع حقوق**  
**زنان**



همنان گرمی با سلامی گرم ولی پر درد برای تمام ظلم‌های بی پایان و جانکاهی که جانیان افسار گسیخته جمهوری اسلامی بر آزادیخواه و روشنفکر و تحصیل کرده مان در طول ۴۲ سال حکومت جرم و جنایت آورده و هر روز از روز قبل وحشی تر و بر دستگیری و زندانی کردن و شکنجه های همراه با مرگ و اعدام های پی در پی قلبمان را لبریز از درد می‌کنند و هر بلایی که بخواهند سر آنها می‌آورند و برای ایجاد هراس در دل ملت، زندگی را برای مردم زندان کرده اند و آمار خودکشی بخاطر فشارهای روحی، روانی و اقتصادی و اجتماعی بیش از حد بالا رفته ولی رژیم جلا د انکار نه انکار ملت و کشور را به نابودی کشانده و فقط به فکر غارت و حراج مملکت هستند و از جیب ملت می‌زدند تا نیروهای تروریستیشان را تامین کنند و عربها را سیر کنند

و حال می‌خواهم در مورد شرایط وخیم وکیل دلسوزمان بانو نسرين ستوده برایتان قدری بگویم تا صدایش باشیم .

وضعیت جسمی نسرين ستوده پس از سه هفته اعتصاب غذا رو به وخامت گرایید.

**این وکیل حقوق بشر زندانی در اوین برای آزادی زندانیانی که در معرض خطر ابتلا به بیماری کووید-۱۹ هستند از خوردن غذا امتناع کرده همسر ستوده: «نسرين بسيار ضعيف شده است»**

۱۰ شهریور ۱۳۹۹ - رضا خندان، فعال مدنی و همسر نسرين ستوده در مصاحبه با کمپین حقوق بشر در ایران گفت که این وکیل زندانی در بیست و یکمین روز از اعتصاب غذا در زندان اوین حاضر به پذیرش سرم نشده و در وضعیت خوبی به سر نمی‌برد.

آقای خندان به کمپین گفت که در تماس تلفنی با نسرين ستوده درخواست های شخصیت ها و افراد مختلف مبنی در شکستن اعتصاب غذا را به او اطلاع داده اما خانم ستوده گفته است که به

این خود بسیار خطرناک است. قند خون یکبار ۴۴ و چند روز بعد تا ۵۵ پایین آمده بود. حال عمومی اش هم در نوسان است. سومین و دهمین روز اعتصاب غذا بدترین وضعیت را داشته است.»

در اول شهریور سعید دهقان، وکیل دادگستری، بیانیه ۴۴ وکیل برای پایان اعتصاب غذای نسرين ستوده را در توئیترمنتشر کرد. در این بیانیه آمده است: «درخواست آزادی زندانیان سیاسی و رفع محرومیت سایر زندانیان از حق آزادی مشروط و نیز مرخصی‌های متناسب با شرایط بحرانی فعلی، خواسته‌های انسانی و قانونی است و نباید زندانیان با اعتصاب غذا، از جان و سلامتی خود بگذرند.

بستری شدن نسرين ستوده در بیمارستان پس از وخامت حال جسمی و محرومیت خانواده از ملاقات با وی

**رضا خندان: «نسرين را اتفاقی در بیمارستان دیدم و ظاهرش ناخوش بود»**

نسرين ستوده از ۲۰ مرداد ماه در اعتصاب غذا به سر می‌برد

۳۰ شهریور ۱۳۹۹ - نسرين ستوده ، وکیل حقوق بشری محبوس در زندان اوین ، که از تاریخ ۲۰ مرداد ماه در اعتراض به شرایط زندانیان سیاسی و تداوم حبس آنها دست به اعتصاب غذا زده است، با وخیم‌تر شدن وضعیت جسمی در تاریخ ۲۸ شهریور در بیمارستان بستری شده است و با این‌حال همچنان از ارتباط با خانواده خود محروم است.

کمپین حقوق بشر در ایران پس از تماس با رضا خندان، همسر نسرين ستوده در تاریخ ۳۰ شهریور ماه جزئیاتی درباره حال جسمی این وکیل حقوق بشر کسب کرده است.

رضا خندان با ابراز نگرانی از وضعیت جسمی نسرين ستوده گفت که «اوضاع سلامت قلبی نسرين ستوده خوب نیست.» رضا خندان تأکید کرد که همسرش «ممنوع الملاقات» شده است و امکان ورود به محل نگهداری نسرين ستوده وجود ندارد.

رضا خندان گفته است که نسرين ستوده را «اتفاقی» و «هنگامی که همسرش را با «بلچر» برای «تست قلب» می‌بردند، در «راهرو» بیمارستان دیده است و برای لحظاتی کوتاهی موفق به دیدن همسرش شده که به گفته رضا خندان ظاهر نسرين ستوده «ناخوش» بوده است. رضا خندان به کمپین حقوق بشر در ایران گفت که نسرين تحت مراقبت شدید ماموران امنیتی قرار دارد.

هادی قائمی، مدیر کمپین حقوق بشر در ایران با ابراز نگرانی از شرایط نسرين ستوده گفت: «ممکن است مقامات در ایران سعی کنند وضعیت وخیم سلامت نسرين را پنهان کنند ، اما جهان این وضعیت را رصد می‌کند و حکومت را مسئول سلامتی او می‌داند.» کمپین حقوق بشر در ایران به شدت نگران وخیم‌تر شدن سلامت نسرين ستوده و همچنین تداوم ممنوعیت ملاقات این وکیل حقوق بشری با خانواده خود است. ما فوراً از مقامات می‌خواهیم

اعتصاب غذای خود ادامه خواهد داد. هادی قائمی مدیر اجرایی کمپین گفت: «نسرين ستوده برای شکستن مخالفت مقام های ایرانی با آزادی زندانیان سیاسی، که به بیماری در حال گسترش کووید-۱۹ در زندان های ایران مبتلا شده اند، جان خود را به خطر انداخته است.»

قائمی افزود: «علاوه بر مسؤلیت حبس بسیار ناعادلانه زندانیان سیاسی، قوه قضائیه باید جوابگویی قربانی شدن آنها در اثر بی اعتنائی نسبت به نیازهای بهداشتی و سلامتی باشد.»

رضا خندان، همسر نسرين ستوده به کمپین گفته است که روز دوشنبه در بیست و یکمین روز اعتصاب غذا «نسرين به شدت ضعيف شده و وضعیت جسمانی اش مساعد نیست بهداری زندان گفته باید سرم بزند اما نسرين نپذیرفته و حاضر به زدن سرم نشده.»

خندان افزود: «از سوی مسولان زندان، هم معاون زندان به دیدن نسرين رفته و از او خواسته اعتصاب غذایی را کتبا بنویسد و به مسولان زندان اعلام کند که نسرين نپذیرفته. یعنی به جای اینکه بروند و بپرسند که خواسته نسرين چیست ؟ رفته اند و گفته اند که کتبا بنویس اعتصاب غذا کرده‌ای!»

نسرين ستوده که برای تحمل حکم ۳۸ سال زندان، که ۱۲ سال از آن قابل اجراست، در زندان اوین زندانی است در اعتراض به وضعیت زندانیان سیاسی و با درخواست آزادی زندانیان سیاسی از ۲۱ مرداد ماه دست به اعتصاب غذا زده است.



او در نامه ایاز زندان اوین اعلام کرده که «در میانه بحران کرونا که ایران و جهان را در بر گرفته است شرایط زندانیان سیاسی چنان سخت و دشوار شده است که ادامه حبس با این شرایط ظالمانه غیرممکن شده است. با زندانیان به گونه‌ای رفتار می‌شود که گویی قانونی وجود ندارد و هیچیک از آنان حق برخورداری از هیچ روزنه‌ی قانونی را ندارند. مکاتبات زندانیان برای یافتن راه‌های قانونی تنفسی بی‌پاسخ مانده است.»

رضا خندان در تاریخ ۵ شهریور در فیسبوک نوشت: «وارد هفدهمین روز اعتصاب غذای نسرين شدیم. حدود ۶ کیلو از وزن ۵۳ کیلویش کم شده است. نوسان فشار و به ویژه میزان قند خون بسیار بالاست. حالت تهوع اجازه نمی‌دهد به اندازه‌ی کافی آب و قند استفاده کند که



خود را به نسرين ستوده اهدا کرد و اين وکيل حقوق بشر را نمادی از جنبش حقوق مدنی در ايران خواند.

ستوده همچنين در سال ۲۰۱۲ جایزه معتبر «ساخاروف» را از اتحاديه اروپا به دليل فعاليت‌هايش در حقوق بشری دریافت کرد.

مشارکت هرچه بیشتر شهروندان سراسر دنيا در اين کارزار اعتراضی آنلاین برای تسريع در آزادی نسرين ستوده و اعتراض به وضعیت زندانیان سیاسی در ايران، باعث می شود که شهروندان ديگر کشورهای دنيا از نمایندگان منتخب خود درخواست کنند تا در مجامع بين‌المللی از مقامات جمهوری اسلامی ايران درباره وضعیت نسرين ستوده و ديگر زندانیان سیاسی توضیح بخواهند و خواستار آزادی اين وکيل حقوق بشر و ساير زندانیان سیاسی شوند.

عزيزان، هموطنان آزاديخواه اوضاع روشنفکران و حاميان حقوق بشر و حقوق زنان و کودکان کار و مخالفان اعدام در شرایط فوق العاده درندگی اسير جنایتکاران و درخیمان جمهوری اسلامی، بشر می‌برند

هر روز بر دستگیری دختران و زنان و کارگران و حق طلبان حقوق اولیه انسانیشان، افزوده و اعدام‌ها به طرز وحشتناکی زياد شده برای زهر چشم گرفتن از مردم ايران و ترساندن آنها که جرات نکنند دست به اعتراض بزنند

هر روز چندین کولبر زحمتکش را به قتل میرسانند و خانواده هایشان را بی سرپرست می‌کنند

پس باید بدانیم که سکوت و بی تفاوتی ما نسبت به اين همه قتل و جنایت و زندان کردنهای جوانان آزاده و آزاديخواه بی گناه که زیر شکنجه ارازل و اوباش و وحشی‌های جمهوری جهل و جنایت بزرگترین خیانت است به ۸۵ میلیونی ایرانی. همانطور که قبلا بارها از شما عزيزان ایرانی در ايران و خارج کشور تقاضا کرده ام، امروز دوباره دستان پرمهرتان را از راه دور میفشارم که به پا خیزید و حمایتشان کنیم و صدای مظلومیت زندانیان عزيزانمان در ايران باشیم.

### بامید آزادی ایران

### تذکر

این گزارش در خصوص خانم نسرين ستوده برای زمان قبل از چاپ نشریه بوده و در زمان آماده سازی نشریه، نسرين ستوده از روز 4 مهرماه به اعتصاب غذای خود پایان داده است.

«نسرین» همکاری داشته است، درباره این کارزار اعتراضی آنلاین گفت: «مفتخرم که اینگونه در کنار نسرين ايستاده‌ام و خواهان آزادی او هستم. نسرين برای رسیدن به عدالت در ايران خطر همهچیز را به جان خریده است.» هادی قائمی مدیر کمپین حقوق بشر در ايران با تاکید بر ضرورت پیوستن به این کارزار اعتراضی گفته است: «نسرین ستوده آزادی خود را فدای دفاع از حقوق دیگران کرده است و سال‌هاست که محروم از زندگی در کنار همسر و دو فرزند خود است. همه ما باید متحد شویم و خواستار آزادی نسرين ستوده از زندان شویم.»

نسرین ستوده، وکيل حقوق بشر محبوس در زندان اوین تهران، در حال گذراندن دوران محکومیت خود است. این وکيل حقوق بشر از چهار هفته قبل دست به اعتصاب غذا در زندان زد. اقدامی که در جهت شنیده شدن صدای زندانیان سیاسی در ايران و جلب توجه مقامات قضایی به شرایط ناعادلانه محبوسانی است که به ناحق پشت میله‌های زندان گرفتار شدند.

زندانیانی که با شروع همهگیری کرونا در ايران در نبود شرایط مناسب بهداشتی زندانها به طور



جدی در معرض خطر ابتلا به ویروس کرونا نیز قرار دارند.

با اینکه تنها بخشی از زندانیان سیاسی در ايران آزمایش کرونا داده‌اند اما ابتلای تعدادی از زندانیان سیاسی به ویروس کرونا محرز شده است و با این حال تقریباً هیچ کدام از مبتلایان مراقبت‌های پزشکی مناسب را دریافت نکرده‌اند.

بهار امسال و پس از شدت گرفتن شیوع ویروس کرونا در ايران، مقامات قوه قضاییه جمهوری اسلامی برای جلوگیری از بحران همهگیری در زندان‌ها، تصمیم به آزاد کردن و یا اعطای مرخصی به جمع زیادی از زندانیان کشور گرفتند. در این میان تنها عده قلیلی از زندانیان سیاسی در میان محبوسانی بودند که شیوع کرونا آنها را به آزادی و یا مرخصی فرستاد.

براساس حکم مقامات قضایی در ايران، نسرين ستوده پس از گذراندن ۱۲ سال از حکم ۲۸ سال حبس خود به صورت «مشروط» آزاد خواهد شد. این حکم ۱۲ سال حبس به اتهام «تشویق فساد و فحشا و فراهم آوردن موجبات آن» علیه نسرين ستوده صادر شده است.

اخیرا «انجمن قضات آلمان»، بزرگترین انجمن قضات و دادستانهای آلمان، جایزه حقوق بشر

که اجازه دهند خانواده نسرين ستوده اجازه ملاقات با وی را پیدا کنند و مقامات مسئول اطلاعات کامل وضعیت سلامت وی را در اختیار خانواده قرار دهند و همچنین این امکان به خانواده ستوده داده شود تا در روند درمان وی حضور داشته باشند و هر تصمیمی برای درمان نسرين ستوده با رضایت کامل خانواده انجام پذیرد.

نسرین ستوده روز گذشته از زندان اوین به بیمارستان منتقل شد، جایی که از دو سال پیش به دلیل فعالیت‌های حقوق بشری و دفاع از حقوق شهروندان در آن محبوس است. پس از گذشت بیش از یک‌ماه از اعتصاب غذای این وکيل حقوق بشر یک کارزار آنلاین اعتراض بین‌المللی برای آزادی وکيل مدافع حقوق بشر به راه افتاد.

نسرین ستوده به دلیل دفاع از حقوق اساسی مدنی و سیاسی در ايران، محکوم به حدود ۴ دهه شده که از جمله اتهامات وی «تشویق روسپی‌گری» به دلیل دفاع از شهروندان معترض به حجاب اجباری و دفاع از حق شهروندان برای اعتراضات مسالمت‌آمیز بود.

علاوه بر حبس ناعادلانه تعداد زیادی از زندانیان سیاسی در ايران، شرایط ویژه زندان‌های ايران در دوران همهگیری کرونا باعث شده است تا نگرانی‌ها درباره این زندانیان بیشتر شود. بسیاری از آنها در زندان‌های شلوغ و غیر بهداشتی ايران به بیماری کووید-۱۹ مبتلا شده‌اند. پس از شدت گرفتن شیوع کرونا در ايران و در جهت جلوگیری از مرگ و میر زندانیان، مقامات قضایی تعداد زیادی از زندانیان را آزاد کردند اما بیشتر زندانیان سیاسی شامل این آزادی قرار نگرفتند

humanrights.org/1399/06/sotoudeh-hospitalised

فراخوان فوری اعلام همبستگی جهانی با کارزار آزادی نسرين ستوده همزمان با پنجمین هفته اعتصاب غذای این وکيل حقوق بشر در ايران (۲۰ شهریور ۱۳۹۹) امروز گروهی از هنرمندان و نویسندگان نام‌آشنای جهانی با انتشار یک فراخوان عمومی به کارزار اینترنتی در اعتراض به تداوم حبس نسرين ستوده، وکيل حقوق بشر، پیوسته و خواستار آزادی هرچه سریعتر نسرين ستوده از زندان شدند.

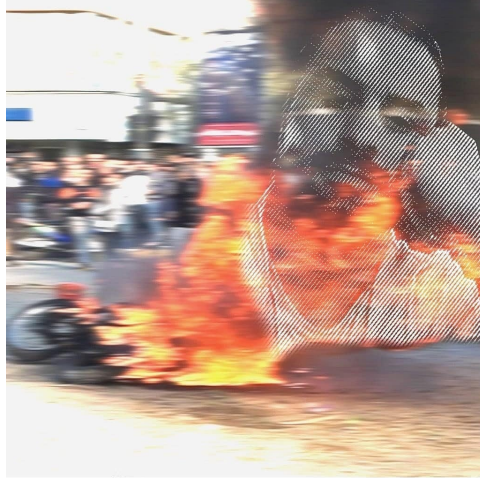
اولیویا کولمن، شهرد آغداشلو، جی.کی. سیمونز، شیرین نشاط، جولیت استیونسون، نازنین بنیادی، نینا انصاری، آذر نفیسی، سیمون ریکس و ماز جبرانی از جمله هنرمندان و نویسندگانی هستند که با انتشار عکس خود با هشتک #FreeNasrin همبستگی و اتحاد خود را در دفاع از حقوق نسرين ستوده و بسیاری دیگر از زندانیان سیاسی در ايران اعلام کردند.

این فراخوان از مردم سراسر جهان می‌خواهد تا با پیوستن به این اعتراض آنلاین مردمی و انتشار تصاویرشان با هشتک #FreeNasrin در حسابهای کاربری خود، صدای حق‌خواهی نسرين ستوده در سراسر جهان باشند.

اولیویا کولمن، بازیگر زن برنده جایزه اسکار که به تازگی به عنوان راوی در فیلم مستندی درباره جنبش زنان و زندگی نسرين ستوده به اسم

**اعدام نوید افکاری برای ارباب و فرونشاندن خشم کارگران و معترضان!  
"نوید افکاری"**

روزهایی که هنوز هفت ساله نشده بود، می‌رفت پارک آزادی آدامس و بادبادک می‌فروخت. تا هیجده سالگی با تمام توان چسبید به کشتی، همیشه تو استان اول بود و تو مسابقات کشوری مدال می‌گرفت. چون در نوجوانی مجبور شد ترک تحصیل کند برای مسابقات برون‌مرزی به بن بست خورد و بعدا ناچار شد به سربازی برود. سال ۱۳۹۲ خدمت سربازی‌اش تمام شد و این بار مشکلات مالی، کشتی را که ورزش مورد علاقه اش بود، از او گرفت. با سه سال کارگری پول ناچیزی جمع کرد. حالا دیگر ۲۳ ساله شده بود و ادامه دادن حرفه‌ای ورزش کشتی ریسک بزرگی بود. رسیدن او به تیم ملی تقریباً به رویایی محال تبدیل شده بود. ... در سن ۲۵ سالگی ناچار شد برای کمک به خانواده باز هم به کارگری بپردازد و بعدا در شهریور ۹۷ دستگیر شد و "...."



این شرح مختصر و گوشه‌هایی از زندگی نوید افکاری، به نقل از خود اوست که با جسمی درهم شکسته از فشار و شکنجه ماموران امنیتی، در سحرگاه روز شنبه، بیست و دوم شهریور ماه، بی آن که حتی اجازه دیدار با خانواده و مادر خود را داشته باشد، با دستپاچگی هرچه تمام‌تر به طناب دار آویخته شد، تا به زعم مقامات و ارگان‌های حامی سرمایه، درس عبرتی باشد برای کارگران و مردم معترضی که زندگی در زیر بار ستم طبقاتی و بی‌حقوقی را بر نمی‌تابند و به انحاء مختلف، اعتراض خود را نسبت به مناسبات استثماری و اختناق حاکم بر جامعه نشان می‌دهند.

نویدافکاری، خود، یکی از همین مردم معترض بود. او یکی از هزاران جوان کارگر و محرومی بود که از کودکی با کارگری و دستفروشی، طعم تلخ فقر و نابرابری را چشیده و با ترک تحصیل اجباری و دست شستن از علائق و آرزوهایش، از جمله "عضویت در تیم ملی کشتی"، به عنوان کارگری گچکار مشغول به کار شد، تا بخشی از مخارج خانواده را برعهده بگیرد و کمک خرج خانواده باشد.

همین وضعیت البته به نوبه خود، نوید را با واقعیت‌های تلخ زندگی و نابرابری های موجود در جامعه آشنا کرد و از او فردی معترض، رشید و با شهامت ساخت. تا آن جا که در اعتراضات خیابانی مردم که علیه فقر، گرانی، تورم و استبداد لجام گسیخته، در جامعه صورت می‌گیرد، شرکت کرد و به سهم خود نقش فعال و پُررنگی در آن اعتراضات و تظاهرات داشت.

گماشتگان سرمایه، برای نوید که فردی شناخته شده و از جنس خود مردم بود به خاطر شرکت در اعتراضات خیابانی سال ۹۷ پرونده‌سازی کرده و او را به دنبال اعتراضی ساختگی که تحت فشار و شکنجه انجام شده بود، به اعدام محکوم کردند، تا به تصور خود، کارگران و مردم معترض را بترسانند و از اعتراضات آنان در آینده جلوگیری کنند.

غافل از آن که، آن چه که کارگران و توده‌های محروم و زحمتکش جامعه را به حرکت وا می‌دارد و به اعتراض و مبارزه می‌کشاند همانا شرایط و اوضاع و احوالی اسفبار است که زندگی را برای بیش از ۹۰ درصد آحاد جامعه سخت و غیرقابل تحمل کرده و آنان را به فقر و خانه‌خوابی کشانده است. نوید و نویدها در واقع محصول این شرایط هستند و از دل شرایط نامناسب اجتماعی و اعتراضات و مبارزات مردم برمی‌خیزند.

ناگفته پیداست نهادهایی که با صحنه سازی و گرفتن اعتراف در زیر فشار و شکنجه حکم صادر می‌نمایند، تا جان یک کارگر زحمتکش و بی‌گناه را بگیرند و از این طریق به اصطلاح قدرت نمایی کنند، به راستی ترسیده‌اند و سخت نگران وضعیت آتی خود در روزها و ماه‌های پیش‌رو می‌باشند.

اما برخلاف تصور مدافعان سرمایه، اعدام نوید نه تنها ترس و وحشت در دل مردم ایجاد نکرد، بلکه واکنش شدید و گسترده کارگران و توده‌های مردم را همراه با خشم و انزجار آنان نسبت به این اقدام سرکوب‌گرایانه و ضدانسانی برانگیخت و آن را به عنوان قتل عمد دولتی و پدیده‌ای مضموم و ضدبشری در معرض نگاه و قضاوت کارگران آگاه و وجدان‌های بیدار جامعه قرار داد. اعدام نوید بار دیگر حساسیت جامعه را نسبت به این مسئله جلب نمود و به کارگران و توده‌های مردم یادآور شد که باید پر قدرت، متشکل و گسترده علیه اعدام و سلب آزادی به مبارزه برخاست. به طور قطع این، آن نتیجه مطلوب دولتمردان و عوامل سرمایه نبوده است.

ما به عنوان بخشی از جامعه کارگری ایران، ضمن عرض تسلیت به مردم زحمتکش و خانواده داغ‌دیده‌ی از جور ستم پیشگان، هرگونه تهدید، شکنجه و اعدام را نشانه وحشت و استیصال کارگزاران و عوامل سرمایه دانسته و حق شرکت در اعتراضات و اعتصابات کارگری را جزیی از حقوق حقه و مسلم کارگران و توده‌های محروم می‌دانیم. اعتقاد ما بر این است که هیچ کس را نباید به خاطر اعتراض به مصائبی که دامن‌گیر کارگران و زحمتکشان است تهدید و ارباب نمود و مهم‌تر و فجیح‌تر از آن، دستگیر، زندانی، شکنجه و اعدام کرد. لغو اعدام دفاع از حق حیات است.

- \*سندیکای کارگران کشت و صنعت نی‌شکر هفت تپه
- \*سندیکای کارگران شرکت واحد \*اتوبوسرانی تهران و حومه
- \*کانون صنفی معلمان اسلامشهر
- \*کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری
- \*شورای بازنشستگان ایران
- \*کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری
- \*اتحاد بازنشستگان
- \*گروه اتحاد بازنشستگان

**هوشمند علیپور پس از رهایی از اعدام از اتهامات تبرئه شد و به ۳۸ ماه حبس محکوم شد**



هوشمند علیپور، زندانی سیاسی محبوس در زندان سنندج پس از محاکمه مجدد توسط شعبه ۲ دادگاه انقلاب این شهر به ۳۸ ماه حبس تعزیری محکوم شد. آقای علیپور پیشتر توسط شعبه ۱ دادگاه انقلاب سنندج به اعدام محکوم شد. این حکم توسط دیوان عالی کشور نقض و جهت محاکمه مجدد به شعبه ۲ دادگاه انقلاب سنندج به عنوان شعبه هم عرض ارجاع داده شد.

هوشمند علیپور، زندانی سیاسی محبوس در زندان سنندج به حبس محکوم شد. بر اساس این حکم که توسط شعبه ۲ دادگاه انقلاب سنندج صادر و به وکیل مدافع وی ابلاغ شده است، آقای علیپور از بابت اتهام بغی (اعدام) تبرئه و به ۳۸ ماه حبس تعزیری محکوم شده است. از اتهام وارده به آقای علیپور و مصداق آن اطلاعی در دست نیست.

**سه عضو کانون نویسندگان ایران به زندان رفتند**



کتاش آبتین، رضا خندان مهابادی و کیوان باژن برای تحمل دوران محکومیت خود به زندان اوین منتقل شدند. این سه در دادگاه تجدیدنظر در مجموع به ۱۸۶ ماه زندان محکوم شده‌اند.

اتهامات این سه نویسنده "تبلیغ علیه نظام" و "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور" اعلام شده است. مصداق این اتهامات، عضویت در کانون نویسندگان، انتشار بیانیه‌ها و خبرنامه داخلی کانون، حضور بر مزار جان‌باختگان قتل‌های زنجیره‌ای و شرکت در مراسم یادبود احمد شاملوست.

کانون نویسندگان ایران پیش‌تر، احکام این سه را "وهن عدالت" خوانده و گفته است که آنها به دلیل مخالفت با سانسور و دفاع از آزادی بیان مجازات می‌شوند.

**مرگ حدود ۲۰۰ دانش آموز در اثر ابتلا به کرونا**



ایرج حریرچی، معاون کل وزیر بهداشت گفت: در ۷ ماهه گذشته تعداد مبتلایان به کرونا از دانش آموزان بالای ۱۰ هزار نفر بوده است که حدود ۲۰۰ نفر آنان جان‌باخته‌اند.

به گفته وی این آمار در شرایطی است که کمتر از ۱۰ درصد دانش آموزان در کلاس‌های درس حضور یافتند و اگر میزان مشارکت دانش آموزان در مدارس افزایش پیدا کند، آمار ابتلا و مرگ دانش آموزان نیز افزایش خواهد یافت.

پس از تاکید وزیر آموزش پرورش مبنی بر بازگشایی مدارس و برگزاری کلاسهای درس حضوری، بسیاری از کاربران در شبکه‌های اجتماعی با استفاده از هشتگ **#بنا به بازگشایی مدارس** اعتراض خود را نسبت به این اقدام در میانه بحران کرونا نشان دادند.

**عفو بین الملل خواهان توقف حکم اعدام و محاکمه مجدد عادلانه برای حیدر قربانی زندانی سیاسی محکوم به اعدام زندان سنندج شد.**



#همه علیه اعدام

#اعدام-غل-شبیخ-سازمانیافته-دولتی

#نه-بر-اعدام

مطالب، نشریه ها و مصاحبه های تلویزیونی سازمان رهایی زن را می توانید از طریق آدرس های زیر دنبال کنید و با ما همراه باشید

سایت نشریه رهایی زن

<https://rahaizanorg.blogspot.com>

آرشیو مقالات

<http://rahai-zan.blogspot.com>

برنامه های تلویزیونی و مصاحبه ها

<https://www.rahaizan.tv>

تلگرام رهایی زن

@rahaizan

تلویزیون رهایی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته دوشنبه ساعت 20:30 و چهارشنبه ساعت 15:00 بازپخش برنامه به وقت تهران می توانید پندیده

تلویزیون رهایی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Chanel One- Hatberd

HoT BIRD

Frequency 11541 vertical

Symbol Rate: 22000

PoI V

FEC 5.6



## برای همکاری و تماس با نمایندگان سازمان رهایی زن در کشورهای مختلف

نروژ: شادی و رویاک مطیعی

تلفن تماس: 004790474027

ایمیل: [motiei\\_rojan@yahoo.com](mailto:motiei_rojan@yahoo.com)

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: [firouzeh.farrahi@yahoo.com](mailto:firouzeh.farrahi@yahoo.com)

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

جلسات کانون رهایی زن هر دو ماه یکبار برگزار میشود و از طریق فلاپر و ایمیل به اطلاع همگان خواهد رسید.

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: [MinoHemati@GMail.com](mailto:MinoHemati@GMail.com)

سوئد-استکهلم: رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

گوتنبرگ: وریا نقشبندی

تلفن تماس: 0046705827583

0046705827583

ایمیل: [verya.1360@gmail.com](mailto:verya.1360@gmail.com)

سارا مرادی

تلفن تماس: 0046704499853

ایمیل: [sara\\_tina2003@yahoo.com](mailto:sara_tina2003@yahoo.com)

آلمان: شراره رضانی

تلفن تماس: 00491737237038

ایمیل: [Sharahrezaei.p@gmail.com](mailto:Sharahrezaei.p@gmail.com)